

Islamic Knowledge and Insight

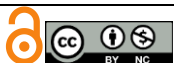
The Role and Duties of Family Members in Strengthening and Consolidating the Foundation of the Family

1. Najmeh Heydari: Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran
2. Abdolhamid Farzaneh*: Department of Theology and Islamic Studies, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran. (Email: Ab.farzaneh@iau.ac.ir)
3. Mohammad Ali Heydari: Department of Theology and Islamic Studies, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Abstract

The foundation of the family is an emotional, social, and legal institution in which good character, proper conduct, and kind speech among members serve as the key factors for its continuity and the primary cause of deepening and expanding familial relationships. In contemporary societies, with the rapid growth of science and industry, and consequently the increase in life problems and expenses alongside the lowering of tolerance thresholds, it is frequently observed that family members, due to individual factors such as suspicion and distrust, foul language and verbal abuse, fault-finding, as well as external factors, particularly familial, cultural, and social issues, resort to mistreatment of one another and to violence in words and actions. This phenomenon leads to the destabilization of the family foundation. Therefore, given the importance of this issue, the present article—designed and classified with the aim of identifying and determining the duties of family members in the consolidation of the family foundation—seeks to answer the following question: from a jurisprudential perspective, what obligations do family members bear in ensuring cohesion and reinforcement of the family structure? The research method is descriptive-analytical. The findings indicate that, from a jurisprudential standpoint, the main obligations of family members in strengthening the family foundation include respecting the dignity of members, observing good companionship and behavior, paying dowry (mahr), paying alimony (nafaqah), respecting the right of conjugal turn-taking (haqq al-qasm) and the right of custody, as well as the wife's obedience and compliance toward her husband.

Keywords: family, family cohesion, family consolidation, duties.



How to cite: Heydari, N., Farzaneh, A., & Heydari, M. A. (2025). The Role and Duties of Family Members in Strengthening and Consolidating the Foundation of the Family. *Islamic Knowledge and Insight*, 3(4), 1-13.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 28 June 2025

Revise Date: 19 August 2025

Accept Date: 26 August 2025

Publish Date: 15 September 2025

معرفت و بصیرت اسلامی

نقش و تکالیف اعضای خانواده در تحکیم و انسجام بنیان خانواده

۱. نجمه حیدری: گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
۲. عبدالحمید فرزانه*: گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (پست الکترونیک: Ab.farzaneh@iau.ac.ir)
۳. محمدعلی حیدری: گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

چکیده

بنیان خانواده، نهادی عاطفی، اجتماعی و حقوقی است که خوش اخلاقی، خوش رفتاری و گفتار نیک با اعضا، عامل تداوم آن و سبب اصلی تعمیق و توسعه روابط خانوادگی به شمار می آید. در جوامع امروزی با رشد سریع علم و صنعت و به تبع آن افزایش مشکلات و هزینه های زندگی و پایین آمدن آستانه تحمل، بسیار مشاهده می شود که اعضای خانواده بواسطه عوامل فردی از جمله بدگمانی و بی اعتمادی، بدزبانی و دشنام گویی، عیب جویی و عوامل بیرونی بالاخص عوامل خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی به بدر رفتاری با یکدیگر و خشونت در کردار و گفتار متوسل می شوند که این مساله باعث تزلزل بنیان خانواده می شود. بنابراین با توجه به اهمیت این مساله، نگارنده در مقاله حاضر که با هدف شناسایی و تعیین تکالیف اعضای خانواده در راستای تحکیم بنیان خانواده تدوین و طبقه بندی شده است درصدد پاسخگویی به این سؤال است که از نظر فقهی اعضای خانواده چه تکالیفی در راستای انسجام و تحکیم بنیان خانواده بر عهده دارند؟ روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که از نظر فقهی اصلی ترین تکالیف اعضای خانواده در راستای تحکیم بنیان خانواده شامل تکریم شخصیت اعضا، رعایت حسن معاشرت و رفتار، پرداخت مهریه، پرداخت نفقه، محترم شمردن حق قسم و حق حضانت، تمکین و تبعیت زوجه از زوج است.

کلیدواژگان: خانواده، انسجام خانواده، تحکیم خانواده، تکالیف.

شیوه استناددهی: حیدری، نجمه، فرزانه، عبدالحمید، و حیدری، محمدعلی. (۱۴۰۴). نقش و تکالیف اعضای خانواده در تحکیم و انسجام بنیان خانواده. معرفت و بصیرت اسلامی، ۳(۴)، ۱-۱۳.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۷ تیر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۸ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۴ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۴ شهریور ۱۴۰۴

مقدمه

خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان، مهم‌ترین و ابتدائی‌ترین شرط برای شکل‌گیری جامعه‌ای سالم و پویا محسوب می‌شود (Katouzian, 2023). تمامی دستاوردهای علمی، فرهنگی و هنری بشر در سایه خانواده‌های سالم و امن به وجود آمده‌اند. قرآن کریم، که بهترین نسخه زندگی و کامل‌ترین راهنمای بشر برای رسیدن به حیات طیبه است، بخش قابل توجهی از آیات خود را به موضوع تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده و تعیین حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده است؛ از جمله در سوره‌های نساء (آیه ۲۱)، انسان (آیات ۵ تا ۲۲)، تحریم (آیه ۶)، نحل (آیه ۷۲)، نور (آیه ۲) و روم (آیات ۲۱ و ۲۹). همچنین احادیث متعددی مضامین خود را به محتوای اصل تحکیم و تکالیف اعضای خانواده به حفظ انسجام بنیاد خانواده اختصاص داده‌اند؛ از جمله حدیث مبارکه امام صادق (ع) "الكَادُ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ تحصیل روزی خانواده توسط پدر ارزشی همانند جهاد برای او دارد (Tabatabai & Translated by Seyyed Baqir Mousavi, 2008)"، همچنین، برای همسررداری نیکوی زن نیز ارزش جهاد در نظر گرفته شده است: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ». در نمونه ای دیگر، نظر محبت‌آمیز به چهره پدر و مادر ارزش عبادت دارد: «نَظَرُ الْوَلَدِ إِلَى وَالِدَيْهِ حُبًّا لَهُمَا عِبَادَةٌ» (Nuri, 1988). در واقع با استناد به مباحث مورد اشاره چنین می‌توان بیان داشت که برنامه زندگی فرد و اجتماعی، در تطبیق با قرآن و منابع اسلامی، مشروعیت پیدا می‌کند و این منابع برای اکثر موارد مستحده در زندگی فردی و اجتماعی و به شکل ویژه «نهاد خانواده» راهکارهای عملی ارائه نموده‌اند. امروزه و به واسطه تحولات مختلف در زمینه‌های مسائل خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی،

اقتصادی، سیاسی و...؛ این نهاد متعالی تحت تأثیر قرار گرفته است و اساس زندگی خانوادگی در مواردی به سبب موانع و چالش‌های متعددی به سبب عوامل فردی (بدگمانی و بی‌اعتمادی، بدزبانی و دشنام‌گویی، لجاجت و سرسختی، تحقیر، عیب‌جویی، بی‌عفتی و...)، عوامل بیرونی بالاخص عوامل خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی (نقض حریم خصوصی، رشد سرگرمی‌های مجازی، تأثیر رسانه، هم‌نشینی با افراد منحرف و الگوگیری از آنان) و عوامل اقتصادی (ضعف مدیریت مالی خانواده، چشم و هم‌چشمی، تجمل‌گرایی و اسراف) دچار تزلزل شده است و گاه آثار مخربی بر ساختار آن داشته‌اند که منشاء اصلی آن در ابتدا، عدم آگاهی اعضای خانواده از حقوق و تکالیف خود در کانون خانواده است و در مرتبه دوم عدم تاسی از تکالیف و فرامین الهی و شرعی و عدم پیش‌بینی و تدوین راهبردهای مساعدتی و اغلب پیشگیرانه از چنین معطلی در نهاد خانواده از سوی نهادهای مسئول و در راس آن حاکمیت و قانونگذار است که می‌بایست به شکل ساختاری و هدفمند مورد تدقیق و ارزیابی قرار گیرد (Yazdi, 2023). بنابراین از این رهگذر، آسیب‌شناسی فقهی و حقوقی مساله حاضر یکی از مهمترین اولویت‌های پژوهشی در حال حاضر محسوب می‌شود؛ زیرا ضمن شناخت دقیق آسیب‌هاست که می‌توان به دنبال گره‌گشایی از مسائل بود.

بدین سبب، مهم‌ترین عنصر و یا هدف در تحلیل رویکرد مقاله حاضر در وهله اول، شناسایی و تعیین تکالیف اعضای خانواده در راستای تحکیم بنیان خانواده است. در وهله دوم استفاده از نتایج و یافته‌های رساله حاضر برای بهره‌وران از مهم‌ترین دلایل برای رسمیت بخشیدن و هنجارمند نمودن چنین موضوعی در حوزه تحقیقات دانشگاهی

How to cite: Mohammadi Zaer, S., Anjomshoa, Z., Salajegheh, S., Nazari, A., Pour Rashidi, R. (2024). Epistemology of Faith and Doubt in Islamic Philosophy and Its Impact on Individual Life. *Islamic Knowledge and Insight*, 1(1), 1-11.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date:

Revise Date:

Accept Date:

Publish Date:

شیوه استناددهی: محمدی زائر، سارا، انجم شعاع، زهرا، سلاجقه، سنجر، نظری، اکبر، و پور رشیدی، رستم. (۱۴۰۳). معرفت‌شناسی ایمان و شک در فلسفه اسلامی و تأثیر آن بر زندگی فردی. معرفت و بصیرت اسلامی، ۱(۱)، ۱-۱۱.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ چاپ:

می‌باشد. پرسش اصلی این است که اعضای خانواده در راستای تحکیم و انسجام بنیان خانواده چه تکالیف و وظایفی دارند؟

تکالیف اعضای خانواده در تحکیم خانواده

یکی از عوامل مهم در ایجاد استحکام خانواده، آگاهی افراد آن از حقوق خود و دیگر اعضا می‌باشد. با رعایت حقوق متقابل تک تک افراد توسط همه‌ی اعضا، آرامش و امنیت خانواده تأمین می‌گردد. این امر موجب استحکام، دوام و پویایی آن خواهد بود. در آموزه‌های دینی و اسلامی برای هر یک از اعضا خانواده در کنار وظایف تعیینی، حقوقی نیز در نظر گرفته شده است، که در ادامه به اختصار به توضیح آن پرداخته می‌شود.

حقوق والدین نسبت به فرزندان

در آیات نورانی قرآن کریم و روایات صادره از ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) حقوقی برای والدین در نظر گرفته شده است که فرزندان ملزم به انجام آن وظایف و ادای حقوق آنان شده‌اند. به عنوان نمونه امام سجاد (علیه السلام) در رساله‌ی حقوق، درباره‌ی حق پدر و مادر بر فرزندان چنین بیان می‌فرمایند که حق مادر آن است که بدانی او دوران بارداری تو را با رنجی تحمل کرده که هیچ کس دیگری برای دیگری تاب نمی‌آورد. او از جان خود تو را تغذیه کرده و با گوهر وجودش تو را پرورش داده، آن‌چنان که هیچ کس دیگری چنین فداکاری‌ای برای کسی نمی‌کند. با چشمانش، دستانش، پاهایش و همه‌ی وجودش از تو نگهداری کرده و با همه‌ی سختی‌ها، با دل خوش و رضایت این مسیر را پیموده است. و اما حق پدر این است که بدانی او پایه و ریشه‌ی وجود توست و تو همچون شاخه‌ای از وجود او روییده‌ای. اگر او نبود، تو نیز پا به این دنیا نمی‌گذاشتی. پس اگر در خود چیزی نیکو می‌یابی، آگاه باش که این خوبی از پدرت سرچشمه گرفته و به پاس آن باید خدا را شکر گویی و به اندازه‌ی آن نیکی، قدردان باشی؛ چراکه هیچ توان و نیرویی نیست مگر به یاری خداوند (Hurr Amili, 1994).

یکی از عوامل مهمی که به ایجاد صلح، صفا، آرامش و امنیت در خانواده کمک می‌کند و موجب تقویت پیوندها میان اعضای آن

می‌شود، احترام، تکریم و نیکی به پدر و مادر است؛ البته به معنایی که قرآن کریم برای آن بیان کرده است. این موضوع، در واقع یکی از دستورات ویژه‌ی قرآن است که بلافاصله پس از فرمان به پرستش خدای یگانه آمده و همین ترتیب، نشان‌دهنده‌ی جایگاه والا و اهمیت بی‌نظیر این فرمان الهی است. در آیه شریفه آمده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * وَخَفْضُ لَهُمَا جَنَاحَ الذِّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» و پروردگارت فرمان داده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هر گاه یکی از آن دو یا هر دوی آن‌ها نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانت به آن‌ها روا مدار و بر آن‌ها فریاد مزین و گفتار لطیف، سنجیده و بزرگووارانه به آن‌ها بگو و نیز بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف در برابر آنان فرود آر و بگو: پروردگارا همان‌گونه که آن‌ها مرا در کوچکی تربیت کردند، ایشان را مشمول رحمت قرار ده» (إسراء، ۲۴-۲۳).

براساس این آیات، سه دستور اساسی درباره‌ی چگونگی رفتار با پدر و مادر بیان شده است. نخست آنکه حتی کوچک‌ترین سخن بی‌ادبانه‌ای نباید به کار برد، تا چه رسد به بلند کردن صدا یا بی‌احترامی آشکار. دوم، فروتنی و تواضع در برابر والدین است، به گونه‌ای که با نهایت ادب و احترام با آنان رفتار شود. و سوم، دعا کردن برای آنان و طلب رحمت و مغفرت از خداوند در حق‌شان، که نشانه‌ای از محبت و قدردانی عمیق نسبت به زحمات و مقام والای آن‌هاست (Makarem Shirazi, 2007). این خود اهمیت بالای جایگاه رعایت حقوق والدین را از سوی فرزندان به‌خوبی بیان می‌نماید.

حقوق فرزندان نسبت به والدین

شریعت مقدس اسلام در کنار حق والدین بر فرزندان، حقوقی را نیز برای فرزندان در نظر گرفته است. به عنوان نمونه پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد حقوق فرزندان می‌فرمایند: «حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَ وَالسَّبَّاحَ وَالرَّامِحَةَ وَأَنْ لَا يَرْزُقَهُ إِلَّا

طیباً؛ حق فرزند نسبت به پدر این است که او را به خواندن، نوشتن، شناختن و تیراندازی تعلیم دهد و همچنین از خوردن غذای حرام برای او جلوگیری کند (Mohammadi Reyshahri, 2005). در حدیثی دیگر آمده است: حق والدین بر فرزند این است که نام نیکویی برایش انتخاب کنند، هنگام رسیدن به سن ازدواج مقدمات آن را فراهم نمایند و خواندن و نوشتن را به او بیاموزند (Mohammadi Reyshahri, 2005). حضرت علی (علیه السلام) نیز در این زمینه فرموده‌اند که حق والدین بر فرزند این است که نام نیک انتخاب کند، ادب و تربیت خوبی داشته باشد و قرآن را به او تعلیم دهد (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹). امام سجاد (علیه السلام) در رساله حقوق خود درباره حقوق فرزندان بر والدین بیان می‌دارند: حق فرزند این است که بداند او از توسل و در خوشی و ناخوشی‌های زندگی پیگیر او باشد و فرزند را به درستی تربیت کند، راهنمایی به سوی پروردگار نماید و در پذیرش فرمان خدا یاری رساند. پس اگر وظایف خود را به درستی انجام دهد، پاداش خواهی گرفت و اگر کوتاهی کنی، مسئول خواهی بود. همچنین باید فرزند را چنان تربیت کنی که در این دنیا ثمره نیکویی به جای بگذارد و به سبب مراقبت درست، نزد خداوند مورد عفو قرار گیرد» (Harrani & Translated by Sadeq, 2003).

تکالیف زوجین نسبت به تحکیم بنیان خانواده

خداوند متعال در قرآن کریم ضمن نقد و سرزنش برخی از همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، خطاب به همه مؤمنان تأکید می‌کند که خود و خانواده‌شان را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند، حفظ کنند (تحریم، ۶). نگهداری از خانواده از طریق ترک گناهان و سرپیچی نکردن از شهوت‌ها، و نیز تربیت و آموزش صحیح فرزندان، همراه با ایجاد محیطی پاک و عاری از آلودگی، از ضروریات زندگی خانوادگی است. این وظایف باید از آغاز ازدواج و تولد فرزند شروع شده و در تمامی مراحل زندگی با برنامه‌ریزی دقیق و دقت ویژه ادامه یابد؛ زیرا حق زن و فرزند صرفاً تأمین مادی زندگی نیست، بلکه مهم‌تر، تغذیه روح و جان آن‌ها و اجرای اصول

صحیح آموزش و تربیت در محیطی همراه با آرامش روانی است. در ادامه، به طور مختصر به وظایف هر یک از زوجین نسبت به خانواده پرداخته می‌شود.

تکالیف زوج

وظایف و مسئولیت‌های اختصاصی زوج (مرد) نسبت به همسر و فرزندان خود شامل موارد زیر است:

مدیریت و سرپرستی خانواده:

خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است که باید مدیریتش به صورت یکپارچه و تحت سرپرستی یک نفر باشد؛ زیرا سرپرستی مشترک زن و مرد کارآمد نیست. بنابراین یکی از آن دو، معمولاً مرد، به عنوان رئیس و سرپرست خانواده انتخاب می‌شود و دیگری نقش معاون و زیر نظر او را دارد. در قرآن و اسلام، بر اساس آیه شریفه «الرجال قوامون على النساء...» مردان به دلیل فضیلت‌هایی که خداوند به برخی از آن‌ها داده و نیز به خاطر تأمین هزینه‌های زندگی، سرپرستی زنان را بر عهده دارند. این مسئولیت به مردان اختصاص داده شده است، چون آن‌ها از نظر قدرت جسمانی، قدرت تصمیم‌گیری و محافظت از خانواده توانمندترند. امام صادق (ع) نیز فرموده‌اند که «سرپرستی خانواده از سعادت مرد است». البته باید توجه داشت که سرپرستی مرد به معنی سلطه‌گری و اجبار نیست، بلکه او باید مسئولیت خود را به گونه‌ای ایفا کند که در رشد اخلاقی و معنوی خانواده مؤثر باشد و از بروز اختلافات جلوگیری نماید. قرآن کریم نیز به این نکته اشاره می‌کند که مؤمنان باید خود و خانواده‌شان را از آتش عذاب الهی حفظ کنند (تحریم، آیه ۶).

تأمین اقتصاد و مخارج اقتصادی خانواده:

بر اساس تعالیم اسلام مخارج اقتصادی خانواده بر عهده مرد است و زن در امور اقتصادی مسئولیتی ندارد هرچند درآمد زیادی داشته باشد، نفقه شامل تهیه مسکن، لباس، غذا و امکانات زندگی متناسب با وضعیت زن است و فراهم کردن شرایط رفاهی بهتر برای همسر و فرزندان از وظایف مرد است، زیرا مردی که با داشتن قدرت مالی امکانات لازم را فراهم نکند، خوشی و آسایش را از خانواده سلب

کرده و زمینه بدینی و بیزاری ایجاد می کند، امام رضا (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: «شایسته است مرد بر خانواده اش توسعه دهد، تا آنان آرزوی مرگ او نکنند» (Hurr Amili, 1994).

تأمین و حفظ امنیت خانواده:

تلاش برای حفظ امنیت مالی، جانی و ناموسی همسر و فرزندان از وظایف مرد است؛ زیرا خداوند سرپرستی زن را بر عهده مرد گذاشته و خواسته تا از او نگهداری کند، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: «کسی که در راه دفاع از اهل و عیال خود کشته شود، شهید است» (Hurr Amili, 1994).

تأمین نیازهای عاطفی خانواده:

شادی و نشاط روانی زن نیازمند این است که خود را محبوب همسر بداند و از عشق و علاقه او نسبت به خود مطمئن باشد، زیرا این اعتماد و اطمینان امنیت خاطر زن را تأمین کرده و آرامش درونی او را افزایش می دهد؛ اگر زن در محبت همسرش نسبت به خود شک کند، احساس درماندگی و ناتوانی عاطفی پیدا کرده و از ناتوانی در جلب عواطف شوهر احساس شکست می کند؛ همچنین به دلیل ویژگی های خاص زن، اغلب نمی تواند مستقیم از بی مهری یا کم توجهی شوهر نسبت به خود گلایه کند، زیرا این کار را یا ناشایست می داند یا موجب تحقیر خود و تحقیر شوهر می داند؛ بنابراین یکی از مهم ترین وظایف اخلاقی مرد این است که از طریق رفتارهای مختلف مانند گفتار، رفتار و هدیه دادن، همسر خود را نسبت به محبتش آگاه سازد؛ پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: «با زنان مهربانی کنید و دل هایشان را به دست آورید تا همراه شما باشند و هرگز آنان را مجبور و خشمگین نکنید» (Nuri, 1988) و نیز «اگر مردی به همسرش بگوید «دوستت دارم» هرگز از قلب او خارج نمی شود» (Hurr Amili, 1994)، امام علی (علیه السلام) نیز در مورد آثار هدیه دادن می فرماید: «هدیه دادن باعث جلب دوستی و محبت بین افراد می شود» (Nuri, 1988).

تأمین نیاز جنسی زن:

نیاز جنسی یکی از نیازهای نخستین انسان هاست که در اسلام مانند سایر ادیان به آن توجه شده است و چارچوبی برای تأمین این نیاز در نظر گرفته اند. در کتب فقهی چنین آمده که مرد وظیفه دارد تا دست کم چهار ماه یکبار با همسر خود آمیزش کند (Yazdi, 2023). بنابر نظر مشهور فقهای امامیه، بر شوهر واجب است هر چهار ماه یکبار رابطه جنسی متعارف (وطی در قبل) با همسرش داشته باشد، حتی اگر منجر به تخلیه اسپرم نشود، یا هر چهار ماه یکبار آمیزش همراه با انزال انجام دهد (Khomeini, 2000)؛ این نگرش در میان فقهای حنفی نیز وجود دارد، هرچند آنان بر حفظ دیانت و عفاف زن تأکید دارند و حق بهره برداری جنسی را مخصوص مرد می دانند که می تواند زن را به رابطه وادار کند، اما زن حق ندارد شوهر را مجبور به رابطه نماید (Alusi & Edited by Ali Abd, 1994)؛ نکته مهم آن است که وظیفه شوهر در این مدت، فقط اکتفا به حداقل آمیزش (مسمی و طی) است که عملی است موجب وجوب غسل (دخول به مقدار حشفه) (M. i. H. Tousi, 2008) و این حکم تنها زمانی واجب است که زن پیش از آن تمایل به رابطه نداشته باشد. ایجاد این تکلیف برای مرد در جهت برآورد نیاز جنسی زن و تعیین حداقل ها نشان از اهمیت این مطلب برای تحکیم روابط زوجین می باشد که مصداقی از حسن معاشرت است.

التزام به حق قسم:

قسم که به حق قسمت یا حق هم خوابی، از حقوق زوجین در ازدواج اسلامی به شمار می رود (Yazdi, 2023). قسم در اصطلاح فقها عبارت است از: تقسیم شب ها در میان زوجات (Fazlullah, 1998; Najafi, 1983).

بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه، زوج موظف است حداقل هر چهار شب یک شب را با همسر خود هم بستر شود که این حق از لحظه ازدواج شروع شده و به طور منظم هر چهار شب یک بار تکرار می شود؛ بنابراین اگر مردی چهار همسر داشته باشد، همه شب هایش بین آنان تقسیم می شود و آنچه در این حق واجب است، خوابیدن کنار هم در یک بستر است، نه الزام به آمیزش جنسی. اکثر فقها بر

این باورند که در حق قسم مهم و واجب کنار همسر بودن از شب تا صبح در یک اتاق بودن است هرچند هم خوابگی اتفاق نیفتد و شرط واجب در حق قسمت را مضاجعه می‌دانند و نه مواقعه (Hilli, 1983; Makarem Shirazi, 2007; Najafi, 1988).

برخی از فقها بر این باور هستند که حق قسم تنها در مواردی که چندزنی باشد، میسر است و در صورت تک همسری قسم ضرورتی ندارد. و این نظریه را نزدیک تر به اصول مذهب می‌دانند (Hilli, 1983; Najafi, 1988). برخی فقها بر این باورند که حق قسم برای مردی که تنها یک همسر دارد پذیرفته نیست و آن زن نه حق همخوابی و نه حق شب‌خوابی در همه شب‌ها ندارد؛ بلکه طبق رأی قوی‌تر، حتی حق همخوابی هر چهار شب یک‌بار هم ندارد و تنها حقی که دارد این است که شوهر از او دوری نکند. بطوری که معلوم نباشد او شوهر دارد یا شوهرش طلاقش داده این مقدار لازم است. « (Khomeini, 2000). همان‌طور که مشاهده می‌شود، در حق قسم مرد وظیفه‌ای برای تأمین نیازهای جنسی همسر خود ندارد و تنها ملزم به حضور در یک شب از هر چهار شب است و در سه شب دیگر آزاد می‌باشد. با توجه به مطالب گفته شده می‌توان چنین گفت اسلام حق قسم را برای پیوند هرچه بیشتر زوجین و افزایش دوستی و محبت میان آنان در نظر گرفته است که از مصادیق حسن معاشرت زوج نسبت به زوجه می‌باشد.

التزام به انجام تکالیف اقتصادی در خصوص زوجه:

همان‌طور که پیشتر گفتیم مجموعه‌ای از اصول را می‌توان تحت عنوان اصل عدالت و واقع نگری بررسی کرد، اما برای روشن شدن جایگاه هر یک از اصول در مواد قانونی بهتر دیدیم که هر یک را به‌طور جداگانه معرفی و بررسی نماییم. از اصول عدالت استحقاقی، تکلیف مرد به حمایت مالی از زن و خانواده و عدم تکلیف زن در این زمینه است که مهم‌ترین موارد آن پرداخت مهریه و نفقه به زوجه است.

پرداخت مهریه:

الزام مرد به پرداخت مهریه حتی در صورت عدم توافق زوجین بر آن هنگام عقد نکاح، نشان‌دهنده اهمیت این موضوع در نظر شارع

مقدس است، و آیات و روایات متعدد درباره جایگاه مهریه و ضرورت حقوقی و اخلاقی پرداخت آن و هشدار به مردان نسبت به تضییع حقوق مالی زنان گواه این مدعاست؛ حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرموده‌اند: «سزاوارترین شرطی که وفای به آن لازم است، پرداخت چیزی است که به واسطه آن زنان را بر خود حلال کرده‌اید» (حر العاملی، ۱۴۱۳: ۲۶۷)، همچنین حق حبس زنان که اجازه مطالبه مهریه حال پیش از هرگونه مواقعه را به آنان می‌دهد و عدم تمکین با حمایت شرعی و قانونی همراه است، هرچند ظاهراً با اصل عدالت ناسازگار است ولی اهمیت حمایت مالی زن توسط مرد را نشان می‌دهد؛ گرچه برخی سوءاستفاده‌ها از این حق قانونی سبب تردید مردان نسبت به عدالت آن شده است، اما این موارد دلیل ناعادلانه بودن حکم نیست (Khomeini, 2000).

پرداخت نفقه:

نفقه از مهم‌ترین حقوق مالی زوجه است که طبق آن شارع، مرد را در هر شرایطی موظف به تأمین مالی و حمایت از زندگی زن کرده و تهیه مایحتاجی چون خوراک، پوشاک، مسکن و اسباب منزل متناسب با شأن زن بر عهده مرد است؛ تناسب نفقه با وضعیت زوجه نشان‌دهنده حمایت شارع است، به طوری که حتی مردی با توان مالی محدود نیز موظف به تأمین نیازهای زنی است که خدمه دارد، هرچند قانون‌گذار برای مصلحت جامعه، دادگاه را ملزم به لحاظ توانایی مالی مرد در تعیین میزان نفقه کرده است که گاه منجر به صدور احکام ناعادلانه شده، اما هدف کلی حمایت مالی و امنیت اجتماعی زنان را دنبال می‌کند؛ همچنین مرد موظف است محل سکونت مناسبی فراهم کند و زن ملزم به سکونت در آن است، مگر خلاف آن شرط شده باشد یا دادگاه اجازه داده باشد، این تکلیف تا دوران عده طلاق رجعی نیز ادامه دارد؛ بر اساس احکام شرع، نفقه سه نوع دارد: نفقه مالک به مملوک، نفقه انسان به اقارب نیازمندش، و نفقه مرد به همسرش که در آن تمکن مالی زن شرط نیست و شأن زن ملاک است و در صورت ممانعت مرد، زن حق اقامه دعوا و حتی حبس مرد را دارد.

نکته آخر اینکه در صورت تعارض میان نفقه زن و طلب سایر طلبکاران، نفقه زن اولویت دارد زیرا هم واجب شرعی است و هم الزام حقوقی دارد؛ این احکام با درک دقیق وضعیت جسمی، روانی و اجتماعی زن و مرد و به منظور حفظ مصالح هر دو تنظیم شده‌اند، چرا که بار سنگین بارداری، زایمان، شیردهی و مراقبت از کودک که توان بدنی زن را کاهش می‌دهد، باید مورد توجه قانون‌گذار باشد تا زن در تأمین مالی زندگی در وضع نامناسب قرار نگیرد؛ از آنجا که تربیت فرزندان بیشتر بر عهده زنان است، حمایت مالی مرد به جهت حفظ آرامش خانواده و تضمین آینده جامعه لازم است (Nejati, 2022).

تکالیف زوجه

جامعه‌ی سالم نیازمند داشتن خانواده‌های سالم است و سعادت و سلامت هر جامعه در خانواده‌ها پی‌ریزی می‌شود در این میان شمع فروزان محفل خانواده زن است. آنان هستند که با آکنده ساختن کانون خانواده از انس و صفا و الفت می‌توانند فضای فکری، فرهنگی، دینی و گفتگوهای سیاسی و اجتماعی را نورانی کنند و عملاً درس مهر و صفا و از خود گذشتگی را از طریق فرزندان و همسران خویش به آیندگان بیاموزند. چنان‌که در تنظیم صحیح اقتصاد خانواده می‌تواند تأثیر به‌سزایی داشته باشد و با تدبیر و برنامه‌ریزی عاقلانه مرد را در تأمین هزینه و مخارج زندگی یاری رساند و از این طریق الگوی مناسبی برای فرزندان خود باشد. در این راستا مهم‌ترین وظایف زن در مجموعه‌ی خانواده عبارتند از:

مدیریت محیط خانه:

برای تربیت فرزند، زن باید در محیط امن و با آسایش باشد. محیطی که خود، سرپرستی آن را عهده‌دار بوده و کلیه‌ی وسایل رفاهی را در حد امکان در اختیار داشته باشد و چنین محیطی اداره و کارگاه نیست. زن در محیط خانه است که می‌تواند به رفع این نیازها اقدام کند و با آرامش خاطر به پرورش فرزندان پردازد و در آن صورت مدیریت خانه و سرپرستی امور در اختیار او خواهد بود. خانه‌ی خوب تابع نیرویی است که آن را اداره می‌کند، چنین نیرویی در زن به

صورت طبیعی وجود دارد. او در خانه فردی مقتدر، با نفوذ و صاحب رأی است. خانه‌اش محل حکومت اوست و اتباع این حکومت شوهر و فرزندان او هستند. او می‌کوشد امور خانه را در سایه‌ی صلاح و عفاف خویش و اعمال عقل سلیم تنظیم کند و افراد آن را سالم و خوشبخت سازد (Nejati, 2022).

سر و سامان بخشیدن به امور اقتصادی خانه:

بانوی خانه با سر و سامان بخشیدن امور اقتصادی خانه، زحمت شوهر را در کسب معیشت ارج می‌نهد و می‌کوشد از روی صداقت، دل‌سوزی، احساس مسئولیت و محاسبات اندیشیده شده‌ی خود دخل و خرج خانواده را تحت کنترل درآورد و اقتصاد آن را سر و سامان دهد و وضع زندگی را بهتر و زمینه را برای اداره‌ی مناسب‌تر خانه فراهم کند (Nejati, 2022).

تربیت و وضع عمومی خانه:

تربیت و وضع عمومی خانه جزئی از مجموعه وظایفی است که در بالا بدان‌ها اشاره شد. طبیعتاً بانوی اندیشمند کوشش دارد محیط خانه را مطبوع و توأم با صلح و صفا سازد. اگر آشوبی در خانه راه افتد و تفاهم از میان اعضای خانه رخت بربندد، گرچه ممکن است به ظاهر منشأ خارجی داشته باشد ولی در واقع تا حدود زیادی مربوط به نارضایتی از وضع عمومی خانه است. زن باید چاره‌جوی این نابسامانی باشد، با متانت و انصاف، شکیبایی و تحمل به رفع عیوب پردازد و لذا زن برای متعادل نگه داشتن وضع خانه و پرورش صحیح نیازمند به آسایش خاطر بیشتر است (Nejati, 2022).

الگوی رفتار برای اعضای خانواده:

بانوی خانه میزان و الگوی رفتار برای اعضای خانواده مخصوصاً فرزندان است. از طریق اوست که شخصیت کودکان رنگ می‌گیرد و پایه‌های اخلاقی و رفتاری کودک گذارده می‌شود. در خانه‌ای که مادر، بد اخلاق، خشن و غیرقابل تحمل باشد امکان داشتن فرزندان متعادل بسیار اندک است. مادر، نمونه‌ی رفتار و شخصیت است. طرز برخورد، نحوه‌ی زندگی، فرم لباس و آرایش، نحوه‌ی مصرف، شکل

اداره‌ی خانه، صبر و حوصله و همه‌ی رفتار و حالات او میزان و الگوی فرزندان است (Nejati, 2022).

تامین نیازهای عاطفی خانواده:

مادر قلب خانه و مظهر مهر و عاطفه، عشق و احساس و محبت و صفا است. در پی‌ریزی سعادت کودکان سهم فوق العاده دارد، او می‌تواند اعضای خانواده را سعادت‌مند و بهشتی کند و یا زمینه‌ی تباهی و فساد را در آنان به وجود آورد. او می‌تواند به اعضای خانواده شخصیت متعادل و یا شخصیت عاصی و متزلزل عطا کند. زن در عین نگرانی و ناراحتی باید روحیه‌ی خود را قوی نگه دارد. خانه‌ای که در آن مادر عصبانی است محل بدی برای فرزندان است (Nejati, 2022).

تمکین از زوج:

تمکین زوجه در دو بعد عام و خاص مورد توجه آیات و روایات متعدد قرار گرفته است. در کتب فقهی، تمکین را از وظایف زن برمی‌شمردند و از تمکین مرد سخنی به میان نیامده است. در فقه، تمکین، معنای مبهم و پیچیده‌ای ندارد و فقها در تعریف آن اختلاف ندارند. در فقه، تمکین به معنای پاسخ دادن زن به خواسته‌های مشروع جنسی همسر خود تعریف شده است (Najafi, 1983). در برخی کتب فقهی چنین آمده است که: «تمکین برداشت موانع بین زن و شوهر است (برای برقراری ارتباط) به نحوی که از جهت زمان و مکان محدودیتی وجود نداشته باشد» (Hilli, 1988) همچنین در تعریف تمکین آمده است: «فان التمکین عبارة عن حالة الحضور فی مقام ارادة الزوج للاستمتاع؛ حالت آمادگی (زن) برای استمتاع در صورت تقاضای شوهر». (Alusi & Edited by Ali Abd, 1994). فقها درباره معنای تمکین زن که شرط دریافت نفقه در ازدواج دائم است، دو احتمال مطرح کرده‌اند: اول «تن دادن» یا «تسلیم النفس» و دوم «خود را عرضه کردن» یا «بذل النفس» (Fazel Maqdad, 1994; Hilli, 1988). طبق احتمال اول، زن موظف است خود را در اختیار شوهر قرار دهد تا او بتواند بدون محدودیت زمانی و مکانی از حق بهره‌وری جنسی برخوردار باشد (Hilli, 1988; Najafi, 1988).

1983). اما در احتمال دوم، تنها تسلیم کافی نیست و زن باید به صورت لفظی و عملی خود را به بهترین شکل به شوهر عرضه کند؛ به همین دلیل روایات پیامبر اسلام توصیه می‌کنند زن از خوشبوترین عطرها و زیباترین لباس‌ها استفاده کرده و صبح و شب خود را بر شوهر عرضه نماید (Kulayni, 1986).

عدم خروج از منزل بدون اذن زوج:

فقهای مشهور امامیه بر این باورند که خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر، مگر برای انجام امور واجب، جایز نیست؛ حتی اگر این خروج با حق بهره‌مندی شوهر منافات نداشته باشد، مانند رفتن به عیادت والدین بیمار یا شرکت در مراسم عزاداری بدون اجازه شوهر ممنوع است (Khomeini, 2000; Mousavi Golpayegani, 1993). در مقابل، برخی فقها خروج زن بدون اذن شوهر را در مواردی که با حق بهره‌مندی شوهر تداخل نداشته باشد، مجاز دانسته‌اند (Fazlullah, 1998). از مهم‌ترین دلایل فقها برای این حکم، استناد به آیه ۳۴ سوره نساء است که می‌فرماید: «مردان سرپرست و نگهبان زنانند به دلیل برتری‌هایی که خداوند به برخی نسبت به برخی دیگر داده و به خاطر اتفاق‌هایی که از اموال خود می‌کنند». درخصوص آیه مذکور جمعی از فقها در تفسیر آن بر همین نظر هستند که (الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ) یعنی مردان بر زنان ولایت دارند و سرپرست آنان‌اند و بر آن‌ها تسلط دارند و امر و نهی آنان با مردان است (Hilli, 1988; Tabarsi, 1983). برخی دیگر اما در تفسیر این آیه بر این عقیده هستند که قوام بودن مرد نوعی تکلیف و مسئولیت است و اساساً سلطنت و مزیت و برتری مردان بر زنان را مطرح نکرده است و دلالتی بر سیطره بی قید و شرط مرد بر زن و لزوم اطاعت مطلق زن از شوهر ندارد و حضور او هم محدود به امور مزبور به استمتاع و آمیزش است (Tabatabai & Translated by Seyyed Baqir Mousavi, 2008; N. a.-D. Tousi, 2008). روایات متعددی مطرح شده از جمله: امام باقر (ع) نقل می‌کند که زنی نزد پیامبر (ص) آمد و پرسید: «حق شوهر بر زن چیست؟» پیامبر فرمود: «این که از شوهرش اطاعت کند،

نافرمانی نکند و بدون اجازه او از خانه خارج نشود؛ زیرا اگر بدون اجازه بیرون رود، فرشتگان آسمان و زمین و ملائکه‌ی غضب و رحمت تا زمانی که به خانه بازگردد، او را لعن می‌کنند» (Hurr Amili, 1994). همچنین امام صادق (ع) روایت می‌کند که در زمان پیامبر (ص)، مردی از انصار به سفر رفت و از همسرش پیمان گرفت که تا بازگشت او از خانه خارج نشود. در این مدت پدر زن بیمار شد و زن برای عیادت از او از پیامبر اجازه خواست، اما پیامبر فرمود: «نه، در خانه بمان و از شوهرت اطاعت کن.» وقتی حال پدر زن وخیم‌تر شد، زن دوباره اجازه خواست و پاسخ همان بود. پس از فوت پدر، زن خواست برای او نماز بخواند که باز پیامبر اجازه نداد و فرمود: «در خانه بمان و از شوهرت اطاعت کن.» پس از دفن پدر، پیامبر به زن اطلاع داد که خداوند به خاطر اطاعتی که از شوهرش کرده است، او و پدرش را بخشیده است» (Hurr Amili, 1994).

نتیجه‌گیری

پس از مطالعه و بررسی مباحث مطرح در مقاله حاضر، نتایج زیر به تفصیل ارائه می‌گردد: خانواده به عنوان بنیان مقدس و اساسی هر جامعه، دارای شرایط و ضوابطی است که تحقق همه‌ی جوانب آن، افراد را به کمال، سعادت و آرامش می‌رساند و جامعه را در مسیر رشد، تعالی و پیشرفت قرار می‌دهد. این اصل بی‌شک زمینه‌ساز فرهنگ‌های مختلف و بستر خوشبختی یا شقاوت انسان‌ها و امت‌ها است. خانواده اولین بخش از یک اجتماع است که هر فرد به صورت طبیعی و تدریجی با تولد، فرزندآوری یا ازدواج وارد آن می‌شود. روابط بین اعضای خانواده و نقش‌هایی که هر یک برعهده دارند، می‌تواند بر شکل‌گیری شخصیت و نحوه تعاملات فردی تأثیرگذار باشد. نهاد مقدس خانواده، رکن بنیادین اجتماع بشری و به‌ویژه فرهنگ‌های متنوع است. شرط اولیه داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است. تمامی دستاوردهای علمی، فرهنگی و اجتماعی بشر در سایه خانواده‌های سالم و امن تحقق می‌یابد. اهداف و ضرورت تأسیس خانواده ایجاب می‌کند که پایه‌گذاران آن یعنی زن و شوهر نهایت تلاش خود را برای تحکیم و پایداری این

نهاد به کار گیرند و با انگیزه‌ای که موجب شکل‌گیری خانواده شده، بر دوام آن پافشاری کنند تا وحدت و پویایی این نهاد مقدس تا پایان حفظ شود. خانواده بنیادی‌ترین نهاد در جامعه انسانی است که وظیفه تربیت و سازندگی افراد را بر عهده دارد و اگر افراد نتوانند خانواده را پایدار کنند و کسانی با ایمان، صبور، حلم، تواضع و... در آن پرورش دهند، نمی‌توانند جامعه‌ای ایده‌آل برای نسل آینده بسازند و در ابعاد مختلف دچار انحطاط خواهند شد و به اهداف متعالی نخواهند رسید. مقصود از تحکیم خانواده، فراگیری و رعایت اصل اعتدال توسط همه اعضای خانواده، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق متقابل همه افراد است. الگوی خانواده مستحکم از منظر دین مبین اسلام دارای ویژگی‌هایی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: پرهیز از تکبر و غرور، حلم و بردباری، عبادت پروردگار، تقوای الهی، اعتدال، تواضع، پرهیز از اسراف و سخت‌گیری.

مهم‌ترین عوامل استحکام خانواده نیز از منظر قرآن کریم و روایات اسلامی به دو بخش عوامل بیرونی تأثیرگذار در استحکام خانواده و عوامل درونی تأثیرگذار در استحکام خانواده تقسیم می‌گردند که در مقاله حاضر به سبب محدودیت صفحات به شناسایی عوامل بیرونی نپرداخته ایم. در حالت کلی عوامل برون خانواده عبارتند از: اقتصاد و فرهنگ جامعه و تعامل با خانواده‌های قبلی و عوامل درون خانواده شامل ازدواج، عمل صالح، آرامش روحی و روانی، تفاهم اخلاقی، حسن معاشرت، تقوا، رعایت نظم و انضباط، مشورت، مهر و محبت، رعایت حقوق متقابل، توجه به جایگاه زن و مرد در خانواده می‌باشند. عوامل درونی تحکیم خانواده شامل عوامل متعددی می‌گردد. اصلی‌ترین عامل تناسب بین زوجین است. درواقع تناسب به معنی هم‌نشانی و هم‌طرازی دختر و پسر می‌باشد که با یکدیگر ازدواج می‌کند. در بین مراجعینی که به مراکز مشاوره ازدواج مراجعه می‌کنند، هر چقدر تناسب زوجین در مواردی همچون: فرهنگ، اقتصاد، مذهب و تحصیل بیشتر باشد، ازدواج آن‌ها موفق‌تر و روبرو بین زوجین مستحکم‌تر خواهد بود. یکی دیگر از موضوعاتی که باعث می‌شود تا اعضای خانواده و بالاخص زوجین زندگی مستحکم‌تری داشته

باشند، ساختن و پرورش اهداف مشترک می‌باشد. وقتی اعضای خانواده برای هدفی مشترک در کنار یکدیگر تلاش می‌کنند، مسئولیت‌های زندگی مشترک در بین آن‌ها تقسیم شده و هیچ یک از آن‌ها به تنهایی بار مسئولیت‌های زندگی را به دوش نمی‌کشد. در این بین، شناخت از احساسات، واکنش‌ها، نقاط ضعف و قوت در بین آن‌ها می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا مسئولیت‌های زندگی را به صورت مناسب تقسیم کرده و در مقابل واکنش‌های مختلف یکدیگر رفتاری مناسب در پیش گرفته و خانواده‌ای پایدار و مستحکم داشته باشند.

یکی از عوامل مهم در ایجاد تفاهم و همکاری میان اعضای خانواده، وجود روحیه مشورت در بین آنان است که علاوه بر تشکیل خانواده‌ای مستحکم و صمیمی، بهترین سپر در برابر مشکلات و موانع زندگی نیز محسوب می‌شود. انسان ذاتاً به دوستی و محبت نیازمند است و بسیاری از تلاش‌ها و زحمات طاقت‌فرسای زندگی، از انگیزه محبت نشأت می‌گیرد. وجود محبت در خانواده، افراد را به فعالیت و تلاش برای کسب معاش ترغیب می‌کند. حفظ حرمت و شخصیت دیگران در گرو احترامی است که در رفتارها و برخوردها نمایان می‌شود؛ رعایت این احترام، به‌ویژه میان کسانی که پیوند و الفتی با هم دارند، باعث تقویت دوستی و گرم‌تر شدن روابط می‌شود که بارزترین نمونه آن، خانواده است. از دیگر عوامل تحکیم خانواده می‌توان به مواردی همچون: صبر و پایداری در زندگی، روحیه عفو و گذشت، حاکمیت صداقت در فضای خانوادگی، پرهیز از سوءظن و آفت حسد، رازداری و وفاداری، برخوردی آرام و بدون تکبر، حلم و بردباری، ترس از کیفر الهی، دوری از افراط و تفریط، تواضع، پرهیز از سخت‌گیری و اسراف، و نیکی به پدر و مادر اشاره کرد. نگاه دین مقدس اسلام به نهاد خانواده و تأکید ویژه بر تحکیم آن، ناشی از اهمیت تربیت و رشد فردی و در پی آن، تعالی خانواده و

and the survival of civilizations and communities is directly tied to its stability and cohesion. In Islamic thought, the Qur'an and Hadith provide detailed prescriptions on rights, duties, and conduct that

جامعه است. رسیدن به خانواده‌هایی متعالی و مستحکم، تنها با آراستگی به فضایل اخلاقی و مشارکت همه اعضای خانواده ممکن خواهد بود.

پایبندی به آموزه‌های دین اسلام عامل سعادت‌مندی، جاودانگی، قرب الهی و رستگاری انسان است. نفس ارزش‌های دین اسلام مانند ارزش ایمان، تقوا، حلم و بردباری، خانواده و... عامل اساسی در رشد و تعالی آحاد جامعه است. در پایان باید گفت که به‌منظور حرکت در مسیر تحقق تحکیم خانواده، با تأسی از آموزه‌های دینی و اسلامی، قرآن کریم و روایات ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) و هم‌چنین سیره‌ی نظری، عملی و تربیتی آن بزرگواران (علیهم‌السلام) پیشنهادهایی ازجمله لزوم شکل‌گیری شورای عالی خانواده، لزوم تشکیل کمیسیون تخصصی یا ویژه خانواده در مجلس شورای اسلامی، تبدیل معاونت زن و خانواده ریاست جمهوری به وزارت خانواده، تهیه پیوست «خانواده محوری» در کلیه طرح‌ها و لوایح کلان در حوزه‌های مرتبط، تغییر مالیات از فردمحوری به خانواده محوری و تغییر حکم ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی ارائه می‌گردد. امید است که مورد توجه و بهره‌برداری همه‌ی مسئولین، مدیران، سازمان‌ها، نهادها و دستگاه‌های مختلف در قوای سه‌گانه و متصدیان امور اجرایی کشور، پژوهشکده‌ها و اندیشکده‌ها، مؤسسات آموزش عالی و آحاد جامعه قرار گیرد تا شاهد تحقق تحکیم خانواده؛ این آرمان الهی و انسانی در میان همه‌ی افراد جامعه و مسئولین کشور باشیم.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The family as the fundamental institution of human society has always been recognized as the cornerstone of moral, cultural, and spiritual growth,

ensure the strengthening of family ties, highlighting the family not only as a private institution but as the seedbed of collective well-being. The Qur'an dedicates many verses to regulating family relations and clarifying the responsibilities of spouses and children, while traditions of the Imams emphasize the sanctity of economic provision, emotional nurturing, and moral respect within the household (Katouzian, 2023; Nuri, 1988; Tabatabai & Translated by Seyyed Baqir Mousavi, 2008). The importance of such guidance becomes even clearer in modern contexts, where rapid industrial and scientific changes, coupled with increased economic pressure, social transformation, and cultural exposure, have destabilized traditional family frameworks and eroded tolerance thresholds. Within this environment, suspicion, verbal abuse, distrust, and negligence often displace kindness and empathy, generating conflict and undermining the durability of families (Yazdi, 2023). The jurisprudential analysis of family obligations therefore serves as a necessary mechanism for restoring balance, addressing the pressing issue of rights and responsibilities, and promoting preventive strategies to maintain cohesion in this sacred institution. It is within this framework that the article under review systematically explores the roles and duties of family members in consolidating the foundations of the family, analyzing the obligations of parents, children, spouses, and the broader household from a fiqhī perspective.

Among the first and most essential obligations in Islamic jurisprudence is the duty of children towards their parents, which reflects the Qur'anic command to show benevolence immediately after the injunction of monotheism. Respect, gratitude, and obedience to parents are fundamental acts of worship, as repeatedly emphasized by both scripture and tradition (Hurr Amili, 1994; Makarem Shirazi, 2007). Imam Sajad's *Risalat al-Huquq* describes the unique sacrifices of mothers in pregnancy, childbirth, and nurturing, highlighting obligations of care, gratitude, and

recognition that children must reciprocate. Similarly, the father's role as the root of existence and source of provision anchors filial duty in respect, support, and acknowledgment of paternal authority. Qur'anic injunctions in Surah Isra further command humility, supplication for parental mercy, and refraining from even the smallest gesture of disrespect. These principles establish a profound theological basis for honoring parents, and by extension, form the moral and emotional pillars that hold families together. Conversely, parents also bear rights towards their children, rooted in the Prophet's guidance to educate them in literacy, physical skills, and morality while protecting them from unlawful sustenance (Harrani & Translated by Sadeq, 2003; Mohammadi Reyshahri, 2005). These reciprocal rights ensure a balanced family framework wherein both generations are bound by obligations of respect, teaching, and care, emphasizing that family unity thrives on mutual recognition of rights rather than unilateral authority.

The obligations of spouses toward one another and toward the integrity of the household represent another central dimension of Islamic family jurisprudence. The husband's duties include economic provision, protection, affection, and maintaining conjugal fairness, responsibilities that are underscored through both Qur'anic verses and hadith traditions (Hurr Amili, 1994; Nuri, 1988). The Qur'an establishes men as "qawwamun" (protectors and maintainers) of women, based on their responsibility to provide and their physical capacity for guardianship. This leadership, however, is interpreted not as a license for domination but as a form of stewardship that should promote harmony and protect the dignity of all members (Tabarsi, 1983; Tabatabai & Translated by Seyyed Baqir Mousavi, 2008). Economic obligations include the payment of dowry (mahr), regular provision of alimony (nafaqah), and ensuring that women's financial rights are protected, even when tensions arise (Khomeini, 2000; Nejati, 2022). Alimony encompasses not only food, shelter, and clothing but also respect for

the social dignity of women, with courts empowered to enforce these rights. In addition, emotional responsibilities are emphasized, with traditions urging men to verbally express love, gift-giving to strengthen affection, and compassionate conduct to foster stability (Nuri, 1988). Sexual rights are equally significant, as fiqh literature mandates conjugal intimacy at least once every four months, ensuring the wife's needs are not neglected and affirming sexual fulfillment as an element of family harmony (Alusi & Edited by Ali Abd, 1994; Khomeini, 2000; M. i. H. Tousi, 2008; Yazdi, 2023). Furthermore, the obligation of turn-taking (haqq al-qasm) among wives in polygynous marriages illustrates the commitment to fairness, with jurists debating the extent of these obligations in monogamous contexts (Hilli, 1988; Makarem Shirazi, 2007; Najafi, 1983). Collectively, these duties reinforce the Qur'anic principle of "husn al-mu'asharah" (good companionship), grounding marital relationships in fairness, affection, and justice.

On the other hand, the wife's obligations, though distinct, are equally emphasized in classical jurisprudence. Central among these is obedience to the husband in lawful matters, particularly in fulfilling conjugal rights and refraining from leaving the home without his permission (Alusi & Edited by Ali Abd, 1994; Hilli, 1988; Khomeini, 2000; Kulayni, 1986; Mousavi Golpayegani, 1993; Najafi, 1983). This obligation has been the subject of scholarly debate, with some jurists interpreting it as a matter of male authority, while others view it as a form of mutual responsibility that does not entail absolute submission (Fazlullah, 1998; Tabatabai & Translated by Seyyed Baqir Mousavi, 2008; N. a.-D. Tousi, 2008). Traditions from the Prophet and the Imams emphasize the seriousness of this duty, at times elevating obedience to the husband to a spiritual act with consequences for divine forgiveness (Hurr Amili, 1994). Beyond this, women are expected to manage the household wisely, contributing to family stability through organization, financial prudence, and emotional nurturing (Nejati, 2022). As the

symbolic heart of the household, the mother provides affection, models behavior for children, and cultivates a nurturing environment that transmits values across generations. Thus, while the wife's obligations are framed in jurisprudential language of obedience, they also encompass broader moral and emotional responsibilities that are central to family harmony.

Theologically, these obligations reflect a consistent concern with justice, balance, and the preservation of human dignity across the family unit. Jurists such as Najafi, Hilli, and Khomeini articulate the interlocking obligations of mahr, nafaqah, conjugal rights, and obedience as mechanisms to ensure neither spouse is neglected, while broader injunctions concerning parental respect and filial education extend the circle of obligations to children and parents (Hilli, 1988; Khomeini, 2000; Najafi, 1983). This interconnected web of rights and responsibilities illustrates how Islamic jurisprudence conceptualizes the family as a microcosm of society, where justice, respect, and compassion must be practiced daily to create social stability. Furthermore, modern jurists highlight the challenges posed by economic hardship, social media, and cultural globalization in eroding these values, urging renewed attention to Islamic teachings as preventive and corrective mechanisms (Nejati, 2022; Yazdi, 2023). Such perspectives underline that while many prescriptions originate in pre-modern contexts, their moral logic remains highly relevant for navigating contemporary familial challenges, where neglect, abuse, and lack of awareness of obligations often undermine unity. In conclusion, the jurisprudential analysis of family obligations provides a comprehensive framework for understanding how Islamic law envisions the cohesion and consolidation of families. The recognition of mutual rights—parents toward children, children toward parents, and spouses toward each other—forms the bedrock of stability, while obligations related to provision, affection, obedience, respect, and justice act as safeguards against conflict and dissolution. Although socio-economic, cultural, and technological

transformations continue to challenge traditional structures, the values embedded in Qur'anic and hadith-based guidance provide enduring principles for building resilient families. Ultimately, the strengthening of the family foundation depends not only on fulfilling these duties but also on cultivating a spirit of love, consultation, and mutual respect that transcends the letter of jurisprudence and brings its spirit into the lived reality of households.

References

- Alusi, M. i. A., & Edited by Ali Abd, a.-B. (1994). *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-'Azim* (Vol. 3). Beirut, Dar al-Kutub al-'Ilmiyya.
- Fazel Maqdad, J. a.-D. i. A. S. (1994). *Kanz al-'Irfan fi Fiqh al-Quran*. Tehran, Murtazawi Publishing.
- Fazlullah, S. M. H. (1998). *Dunya al-Marah*. Beirut, Dar al-Malak.
- Harrani, H. i. A. i. S., & Translated by Sadeq, H. (2003). *Tuhaf al-Uqul*. Qom, Al Ali (AS).
- Hilli, J. f. i. H. (1988). *Shara'i al-Islam fi Masa'il al-Halal wal-Haram*. Qom, Ismailiyan.
- Hurr Amili, M. i. H. (1994). *Wasa'il al-Shia*. Qom Edition, Al al-Bayt (AS).
- Katouzian, N. (2023). *Civil Law Course - Family Law, Volume Two: Children, Parent-Child Relations*. Tehran, Ganj Danesh Publishing.
- Khomeini, S. R. (2000). *Tahrir al-Wasilah*. Qom, Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Kulayni, M. i. Y. q. (1986). *Al-Kafi*. Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Makarem Shirazi, N. (2007). *Tafsir Namuneh*. Tehran, Dar al-Ketab al-Islamiya.
- Mohammadi Reyshahri, M. (2005). *Mizan al-Hikmah*. Qom, Dar al-Hadith.
- Mousavi Golpayegani, S. M. R. (1993). *Hidayat al-'Ibad*. Qom, Dar al-Quran al-Karim.
- Najafi, M. H. (1983). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i al-Islam*. Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Nejati, R. (2022). *Examples of Nafaqah in Family Law*. Tehran, Ghanoun Yar Publishing.
- Nuri, M. H. (1988). *Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il*. Beirut, Al al-Bayt (AS).
- Tabarsi, F. i. H. (1983). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Qom, Maktabat al-Murashshi al-Najafi.
- Tabatabai, M. H., & Translated by Seyyed Baqir Mousavi, H. (2008). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Qom, Society of Seminary Teachers.
- Tousi, M. i. H. (2008). *al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiya*. Tehran, al-Maktabah al-Murtazawiya.
- Tousi, N. a.-D. (2008). *Akhlaq Nasiri*. Tehran, Khwarazmi.
- Yazdi, O. (2023). *Family in Legal Order*. Tehran, Ketab Ava Publishing.